- **إذ**
  - **على أربعة أوجه**
    - **الوجه الأوّل: أن تكون اسماً للزمن الماضي**
      - **و لها أربعة استعمالات**
        - **أحدها: أن تكون ظرفاً و هو الغالب**
        - **الثّاني: أن تكون مفعولاً به**
        - **الثّالث: أن تكون بدلاً من المفعول به**
        - **الرابع: أن تكون مضافاً إليها اسم زمان**
          - **صالح للاستغناء عنه** — **(نحو: يومئذ و حينئذ. إذا زُلْزِلتِ الأرْضُ زلزالها...يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أخْبارَها (الزلزال/١-۴**
          - **أو غير صالح له** — **(نحو: ربّنا لا تُزِغْ قُلوبَنا بَعْدَ إذْ هَدَيْتَنا (آل عمران/٨**
      - **و زعم الجمهور أنّ {إذْ} لاتقع إلاّ ظرفاً أو مضافاً إليها**
        - **(و أنها في نحو: وَ اذْكُرُوا إذْ كُنْتُمْ قليلاً (الأعراف/٨۶** — **ظرف لمفعول محذوف أي: و اذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم قليلاً**
        - **و في نحو: إذْ انْتَبَذَتْ** — **ظرف لمضافٍ إلى المفعول محذوفٍ أي: و اذكر قصّة مريم اذ انتبذت**
          - ص: بنابراین {إذ} ظرف است برای {قصّة} یا {حدیث} یا{نبأ} چنانکه شیخ طوسی و علامه طباطبایی این رأی را دارند. عباس حسن در النحو الوافی می گوید: إذ ظرف للزمن الماضی و أکثر استعمالها ... و هی مبنیة علی السکون غیرمتصرفة فی الأغلب و تکون أحیانًا مضافا الیه. بنابراین ایشان نیز مبنای جمهور را پذیرفته است
          - محذوف: صفة للمضاف
          - نکته: احتمال دیگر در إذ این است که بدل ار مفعول به محذوف(النعمة) باشد نه ظرف برای آن
        - **و يؤيد قول الجمهور التصريح بالمفعول في**
          - **(وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَيكُمْ إذْ كُنْتُمْ أعداءً (آل عمران/١٠٣**
          - ص: نکته: این شیوه استنباط در نحو را قیاسِ محذوف بر مذکور گویند. بنابراین تمامی آیاتی که لفظی ندارد تا مفعولٌ باشد و توهم میشود که {إذ} مفعول به است، حمل و قیاس به این آیه شریفه می گردد، و گفته می‌شود همان‌طور که {إذ} در این آیه ظرف برای مفعولٌبه مذکور است، در آن آیات نیز ظرف برای مفعولٌبه محذوف است
    - **الوجه الثّاني: أن تكون اسماً للزمن المستقبل**
      - **(نحو: يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أخْبارَها (الزلزلة /۴**
        - ص: هرچند فعل {تحدّث} متعلّق {یوم} است و {إذ} مضاف الیه برای {یوم} است، بنابراین {تحدّث} متعلّق {إذ} نیست، لکن چون اضافه {یوم} به {إذ} بیانیه است و {إذ} نیز ظرف است، بنابراین حکم زمانی و کیفیت معنوی متعلّق {یوم} برای {إذ} نیز جاری است، پس همانطور که {تحدّث} متعلّق {یوم} است، از حیث معنا، متعلّق {إذ} نیز است. و باید دانست که تنوین {إذ} تنوین عوض از جمله مضاف الیه است، به تقدیر: یوم إذ زلزلت الأرض
      - **(و الجمهور لا يثبتون هذا القسم، و يجعلون الآية من باب: وَ نُفِخَ في الصّور(الكهف/٩٩** — **أي: من تنزيل المستقبل الواجب الوقوع منزلة ما قد وقع** — نازل منزله گرفتنِ معنای آینده واجب الوقوع در لفظِ ماضیِ محقق شده
    - **الوجه الثّالث: أنْ تكون [حرفاً] للتعليل**
      - **نحو: وَ لَنْ يَنْفَعَكُمُ اليَوْمَ إذْ ظَلَمْتُمْ أنَّكُمْ في العَذابِ مُشْتَرِكُونَ (الزخرف/39)**
        - در {تعلیل} مابعد علتِ ماقبل است و در {سببیت} ماقبل علتِ مابعد
        - **أي: و لن ينفعكم اليومَ اشتراكُكم في العذاب، لأجل ظلمكم في الدّنيا**
          - نکته: در ترکیب این آیه شریفه میان معربین اختلاف است مبنی بر اینکه فاعل ینفعکم، مصدر مؤول {أنکم ...} است یا ضمیر راجع به {نمني} آنها که در آیه قبل مطرح شده است، میباشد!نظر ابن هشام بنابر نظر اول است، علامه طباطبایی نیز در المیزان همین قول را فرمودند به این بیان که اشتراک عذاب در آخرت موجب نفع و تشفّی خاطر شما نیست زیرا عذاب اخروی از جنس عذاب دنیوی نیست که این نفع را بدهد و یا به تعبیر مرحوم علامه طبرسی در مجمع اشتراک در آتش موجب تخفیف آتش نیست زیرا برای هرکس بهره عظیم و کافی از آتش است؛ نکته: اگر فاعل را تمنّیکم بگیریم انکم فی العذاب منصوب به نزع خافض (لام) خواهد بود
        - **هل هذه**
          - **حرف بمنزلة لام العلّة** — قول رضی ج2 ص115 و ابن مالک در تسهیل
          - توضیح قول اوّل — **فإنّه إذا قيل: {ضربته إذ أساء} و أريد بـ {إذْ} الوقتَ، اقتضى ظاهر الحال أنّ الإساءة سبب الضّرب** — دمامینی ص315 و دسوقی ص213: لأن تعلیق الحکم بوصف مشعر بعلیة الوصف لذلک الحکم
            - اشکال معنوی — **لم يكن التّعليل مستفاداً** — **لاختلاف زمني الفعلين**
              - دسوقی ص214 و امیر ص76: وقتی تعلیل از تعلّق فعلی به ظرف زمانی خاص استفاده می‌شود که آن فعل با آن ظرف زمانی اتحاد زمانی داشته باشد، مانند {ضربته إذ أساء} که زمان زدن همان زمان اساءة ادب است. به خلاف آیه که زمان {ینفع} با زمان {ظلمتم} مختلف است
          - **أو ظرف و التعليل مستفاد من قوّة الكلام لا من اللفظ**
            - اشکال به قول دوّم
              - **و يرد على الثّاني: أنّه لو قيل: لن ينفعكم اليومَ وقتَ ظلمكم الاشتراكُ في العذابِ**
                - اشکال لفظی
                - اگر {إذ} ظرف و اسم باشد دارای سه احتمال ترکیبی است که ابن هشام به همگی اشکال کرده است
                - {بدل از {الیوم — اشکال این ترکیب — **و أنّ {إذْ} لا تبدل من اليوم** — **لاختلاف الزّمانين**
                - متعلق به {ینفع} — **و لا تكون ظرفاً {لـ{ينفع** — **[لأنّه لايعمل في ظرفين [مختلفين زماناً**
                - متعلق به {مشترکون} — **و لا }لـ مشتركون {**
                - **لأنّ معمول خبر الأحرف الخمسة الحروف المشبهة بالفعل) لا يتقدّم) عليها**
                  - نکته از دمامینی ص316: بهتر بود می گفت: الاحرف السّتة تا شامل أنّ مفتوحه نیز گردد مگر اینکه توجیه کنیم که أنّ فرع إنّ مکسوره است و در شمارش نمی آید کمااینکه سیبویه نیز به حساب نیاورده است
                  - دمامینی اشکال کرده که حروف مشبهة بالفعل صدارت طلبند فلذا خبر یا معمول خبر بر آنها مقدم نمی شود امّا أنّ از بین این حروف صدارت طلب نیست پس این دلیل برای أنّ اشتباه است مگر اینکه مانند شمنی و امیر و صبّان ج1 ص272 توجیه کنیم که أنّ فرع إنّ است و ازباب حمل فرع بر اصل بگوییم تقدیم معمول خبر بر أنّ نیز جائز نیست
                - **و لأنّ معمول الصّلة لا يتقدّم على الموصول**
                - **و لأنّ اشتراكهم، في الآخرة لا في زمن ظلمهم**
                - ص: قول اوّل (قول به حرفیت {إذ}) دارای این دو اشکال معنوی و لفظی نیست بنابراین قول صحیح همان قول اوّل است
    - **الوجه الرابع: أن تكون للمفاجأة**
      - {جمع بندی {اذ
  - **مسألة**
    - **و الجمهور لا يثبتون هذا القسم**
      - جمهور نحویون این قِسم {إذ} را نپذیرفته‌اند اما سؤال این است که پاسخ آنها به اشکالات لفظی و معنوی مطرح شده چیست؟
      - توجیه اول — **قال أبوالفتح: راجعتُ أبا علي مراراً في قوله تعالى{وَ لَنْ يَنْفَعَكُمُ اليَومَ إذْ ظَلَمْتُمْ} مستشكلاً إبدال {إذْ} من {اليوم} فأخبر ما تحصّل منه: أنّ الدنيا و الآخرة متصلتان، و أنهما في حكم الله تعالى سواء فكأنّ {اليوم} ماض أو كأنّ {إذْ} مستقبلة انتهى**
        - مکالمه ابوالفتح بن جنی با استادش ابوعلی فارسی
        - توضیح استاد حجت در مهدی الاریب: زمان نسبت به خدا مطرح نیست زیرا خدا از بالا می بیند زمان برای ما انسان ها مطرح است
        - ابوالفتح و ابوعلی هردو شیعه بوده اند؛ بغیة الوعاة ص403: حسن بن احمد بن عبدالغفار بن محمد بن سلیمان الامام ابوعلی الفارسی المشهور واحد زمانه فی علی العربیة شاگر زجاج و ابن سراج بوده و بسیاری از شاگردانش او را اعلم از مبرد می دانستند متوفای 377؛ ص592: عثمان بن جنّی در صرف نسبت به نحو ماهرتر بوده است و 40 سال شاگردی ابوعلی را کرده است متوفای 392
      - توجیه دوم: ظرف لـ{ثبت} محذوفٍ — **و قيل: المعنى: إذْ ثبت ظلمكم**
      - **و عليه أيضاً فـ {إذْ} بدل من اليوم**
        - ص: {إذ} داخل بر فعل مقدّری است که زمان وقوع آن فعل، آینده است و آن زمان، وقت ثبوت و زمان عرضه اعمال انسان است که روز قیامت است، پس زمان {إذ} نیز استقبال است، پس اتحاد زمانی حاصل و بدلیت صحیح است. زمخشری به این توجیه معتقد است
      - توجیه سوم: ظرفٌ نائبٌ عن {بعد} محذوفٍ مضافٍ — **و قيل: التقدير: بعدَ إذْ ظلمتم**
      - **{و عليه أيضاً فـ{إذْ} بدل من {اليوم**
        - {ص: {إذ} به تنهایی زمان ماضی داشته، و دلالت بر حیات دنیوی می کند، لکن با تقدیر گرفتن کلمه {بعد} قبل از آن، تبدیل به زمان آینده می‌شود، زیرا بعد از حیات دنیا، آخرت است، بنابراین اتحاد زمانی نیز حاصل و بدلیت صحیح است. الیته در حقیقت {بعد} بدل بوده است و {إذ مضاف الیه است، لکن با حذف مضاف، مضاف الیه حکم آن را پیدا می‌کند